دوفصلنامه تخصصی «اندیشه‌های قرآنی»
سال هفتم/ شماره چهاردهم/ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
۱۰۷-۱۲۸

«سِحر» در قرآن و روایات

محمد قربان‌زاده[۱]
عمران حیدر سعیدی(نویسنده مسئول)[۲]

چکیده

«سِحر» و «جادو» از زمان قدیم بین مردم چنان مطرح بوده که بسیاری از مردم، حتا پیامبران الهی را به گواهی آیات، ساحر می‌پنداشتند. سحر در لغت به معنی هر کاری یا چیزی است که مأخذ آن مخفی و پنهان باشد، ولی در عرف عام غالباً به همان کارهای خارق العاده‌ای می‌گویند که با استفاده از وسایل مختلف انجام می‌شود. سحر امری آموختنی است. برخی کسانی که از سحر استفاده می‌کنند، با شیاطین در ارتباط هستند. با توجه به اینکه در بعضی از آیات قرآن کریم سحر را از امور تخیلی و غیر واقعی شمردند و ظاهر بعضی از آیات قرآن کریم اشاره به حقیقی بودن دارند همین مسئله باعث شده تا بین مفسرین بدین شکل اختلاف به وجود بیاید که بعضی از آن‌ها سحر را از امور واقعی می‌دانند و بعضی آن را غیر واقعی و تخیلی. می‌توان به این نتیجه رسید که برخی از شعبه‌های سحر از امور واقعی است و تأثیر آن‌ها مانند دارو بر مریض است، ولی اسلام، رفتن به سوی این امور و استفاده از آن را به شدّت نهی می‌کند؛ البته یادگیری سحر به طور کلی حرام نیست و در برخی موارد مثلاً برای رد آن جایز است و افراد خاص خود را می‌طلبد، زیرا در غیر این صورت آثار مخرب فردی و اجتماعی یا حتّی خانوادگی به بار می‌آورد. پژوهش حاضر به بررسی سحر و جادو از منظر قرآن و روایات می‌پردازد.

کلید واژه‌ها: قرآن، روایات، سحر، جادو.

---

۱. استادیار جامعة المصطفی ﷺ العالمیه

۲. کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن جامعة المصطفی ﷺ العالمیه

مقدمه

یکی از مطالبی که در مواردی چند از آیات قرآن و روایات متعددیبه چشم می‌خورد موضوع سحر و جادو است. اهمیت پرداختن به سحر و جادو زمانی آشکار می‌شود که بدانیم این مسئله از دوران‌های اولیه زندگی بشر تا زمان حاضر که عصر علم و تکنولوژی است وجود داشته و همچنان وجود دارد. از آنجا که سحر و جادو بر افکار، عقاید واعمال بسیاری از انسان‌ها، سایه افکنده، استمداد از قرآن و روایات و فهم دیدگاه آن در این خصوص بسیار راهگشاست، زیرا انسان مسلمان با شناخت این موضوع از منظر وحی، می‌تواند در صراط مستقیم الهی سیر نموده و از خطر افتادن در بیراهه در امان باشد.

این مسئله که سِحر از چه زمانی در میان بشر پدیدار شد و چه کسی آن را به دیگران انتقال داد، نظرهای فراوان داده شده است که هیچ یک از آن‌ها قانع کننده نیست. درعصر حاضر به مسئله سِحر از دیدگاه‌های مختلف علمی و فلسفی پرداخته شده، به طوری که بسیاری از افعالی که در گذشته به صورت خرق عادت مطرح بوده، امروزه یک اصل مسلّم علمی و کلاسیک است که تقویت نیروی اراده و تلقین به وسیله مرتاضان نمونه‌ای از این امور است.

از آنجا که بسیاری از مردم، حتّا از اهل علم نیز سحر را امری موهوم و پنداری خرافاتی تلقّی می‌کنند و همچنین بسیاری از مردم گاهی برای رفع نیازهای خود و یا حل مشکلاتشان دست به اعمالی از جمله سحر و جادو می‌زنند که در بیشتر اوقات هم این اعمال بدون آگاهی است و گاهی اوقات این اعمال جادوگری هم با شیطان پرستی ارتباط نزدیکی دارند به طوری که یکی از ارکان آن محسوب می‌شود و همچنین به دلیل روشن ساختن یک‌سری مطالب و اینکه سحر و جادو چیزی غیراز خرافات نیست، لازم است که به پژوهش این موضوع بپردازیم و رویکرد قرآن و روایات به مسئله سحر را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. مفهوم سحر و جادو

سحر و جادو در لغت به معانی مختلفی آمده است:

۱. خدعه و فریب و همچنین پندارهایی که حقیقت ندارد، مثل شعبده بازی؛

۲. یاری و معاونت شیطان به گونه تقرّب جستن و نزدیکی به او.

۳. سحر در معنای چیزی است که مرتاضین به سویش می‌روند.(راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج۲: ۱۹۷-۱۹۶)

۴. سحر هر کار لطیف و دقیقی است که اسباب عادی آن پنهان است.(ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ج۲: ۱۶۵)

۵. دیوانگی.(فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳: ۶۲۵)

برای درک دقیق‌تر معنای سحر که در قرآن آمده، می‌توانیم ابتدا به کیفیت و چگونگی سحر توجه کنیم، زیرا این موقعیت طبیعی سحر برای حواسّ ظاهر قابل درک است و به تعبیر دیگر، سحر به عنوان واقعه‌ای طبیعی و عینی می‌تواند به ما کمک کند تا معنای نسبتاً دقیق‌تری از واژه سحر پیدا کنیم.

سَحَر به هنگامی‌گفته می‌شود که هنوز روشنایی صبح سینه آسمان را نگشوده است، با آنکه شب تقریباً پایان یافته، اما هنوز هم هوا تاریک است و بسا که اغلب مردم خواب هستند و سفر کردن و جابه‌جایی آدمی در این مقطع خاص زمانی می‌تواند از نگاه دیگران پوشیده و مخفی بماند، در قرآن نیز همین معنا را درباره لوط و چگونگی نجات او از شهر سدم می‌بینیم.(قمر: ۳۴)

همان گونه که هنگام سَحَر نمی‌توانیم چیزهای پیرامون خود را واضح و آشکار ببینیم، در عمل سحر که ساحر انجام می‌دهد، هم نمی‌توانیم چگونگی سیر طبیعی آن عمل را مشاهده کنیم.

واژه سحر در اصطلاح شرعی به هر کار و عملی گفته می‌شود که سبب آن مخفی بوده و به خلاف حقیقت خود، خیال‌پردازی شود.(فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳: ۱۸۷)

شیخ انصاری در کتاب مکاسب در این باره آورده است:

> سحر کلامی‌است که به زبان جاری کنند و اورادی که مفهوم نباشد یا چیزی که بنویسند یا نوشته‌ای که به همراه دارند یا اورادی که بخوانند و بر ریسمانی بدمند و آن‌گاه گره بزنند، قسم بدهند یا بخور دهند یا بدمند یا تصویر و مجسّمه درست کنند، یا با تصفیه نفس(ساحر با ریاضات غیرشرعی مثل اعمالی که مرتاض‌های هندی انجام می‌دهند) بتواند به صرف اراده کارهایی انجام دهند یا با استخدام ملائکه یا اجنّه یا شیاطین به کشف اشیای گم شده یا مسروقه و علاج امراض بپردازند و به وسیله‌ی آن‌ها در بدن یا قلب یا عقل مسحور تأثیر بگذارند.(انصاری، بی‌تا، ج۳: ۳۸-۳۶)

فخر المحققین معتقد است:

> سحر امر خارق العاده است که یا بالذات مؤثر است یا از طریق کمک گرفتن از افلاک یا از طریق مخلوط‌کردن قوای آسمانی با زمینی یا از طریق کمک گرفتن از ارواح لطیف که دانشمندان علوم عقلی به آنکه فی نفسه مؤثر است سحر می‌گویند و آنکه توسط افلاک استعانت می‌گرفت اسمش «بدعوه الکواکب» یعنی خواندن کواکب و آن قسم که توسط مخلوط کردن قوای سماویه با ارضیه محقق می‌یافت به آن طلسمات و قسم چهارم که با کمک گرفتن از ارواح لطیف بود به آن عزائم گفته می‌شود.(حلی، ۱۳۸۷ق، ج۱: ۴۰۵)

آیت الله ابوالقاسم خویی می‌نویسد:

> آنچه بر اثر چیرگی حالتی بر حس بینایی یا شنوایی یا غیر آن موجب پیدایی چیزی در وهم شود، بدون آنکه واقعیت داشته باشد. بنابراین تعریف، سحر، چشم‌بندی و نوعی نیرنگ است و ساحر کسی است که با بهره‌گیری از اسباب پنهان، غیر واقع را در خیال انسان به صورت واقع جلوه می‌دهد و در نتیجه غیر واقع به شکل‌های شگفت‌انگیز دیده می‌شود. بر اساس این تعریف، نسبت سحر به واقع، نسبت مکر به واقع خواهد بود.(خویی، ۱۳۸۱، ج۱: ۴۵۴)

نقطه اشتراک همه تعریف‌ها از سحر این است که سبب آن، پنهان و غیر متعارف است. بنابراین، چنانچه سبب، متعارف و آشکار باشد، سحر به شمار نمی‌رود. تعاریف مختلفی که از سحر ارائه شده است موجب شده که بعضی کارها بنا بر برخی تعریف‌ها از مصادیق سحر و بنا بر تعاریفی دیگر، خارج از آن قلمداد گردد، چنان که به تعریف‌های ارائه شده، از جهت جامع و مانع بودن نیز اشکال شده است. ازاین‌رو، برخی گفته‌اند به تعریفی تام که همه مصادیق سحر را شامل شود و از دخول کارهایی که سحر به شمار نمی‌روند، مانع‌گردد، دست نیافتیم.

۲. اقسام سحر

فخر رازی در کتاب تفسیر کبیر، هشت روش برای سحر و جادو کردن بیان نموده است:

۱. جادویی که در زمان‌های قدیم در میان مردم بابل رایج بود. بابلی‌ها ستاره پرست بودند و گمان می‌کردند ستارگان مؤثر و مدّبر زمین و مردم هستند و تمامی خیر و خوبی و سعادت و شقاوت و نحوست و بدی از سوی ستارگان است. جادوگران آن زمان بر اساس حرکت ستارگان و منازل و برج‌های آن‌ها ادعای غیب‌گویی، آگاهی از آینده و پیشگویی می‌کردند.

۲. جادویی که با قدرت و نیروی اراده انجام می‌گیرد.

۳. یاری جستن از ارواح زمینی؛ یعنی ساحر در سحر خود از شیطان و جن‌ها یاری می‌گیرد.

۴. سحری که با القاء تخیلات و گمان‌افکنی انجام می‌گیرد.

۵. اعمال و کارهای عجیبی که در اثر ترکیب وسایل و ابزارآلات انجام می‌گیرد.

۶. استفاده از خواص و ویژگی‌های ناشناخته فیزیکی و شیمیایی اجسام.

۷. تعلق قلب؛ در این نوع سحر، جادوگر با ادعا کردن اینکه اسم اعظم را می‌داند و بر اثر آن جن‌ها تابع او هستند و در انجام امور از او پیروی می‌کنند، مردم را معتقد خود می‌گرداند و قلب و عقل آن‌ها را شکار می‌کند.

۸. نمیمه و سخن چینی.(فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج۳: ۱۸۷)

۳. ویژگی‌های سحر

۱. در همه اقسام سحر منبع و مأخذکاری که انجام می‌گیرد پنهان و مخفی است و نیاز به تمرین های متعدد و گوناگون دارد، که هر کس این گونه آزمایشات و تمرین‌ها را انجام دهد بدان دست می‌یابد. ساحر در انجام کارهای خود به دنبال عوامل تلقینی، استفاده و کمک گرفتن از شیاطین، نیرنگ، خدعه، چشم‌بندی، تردستی و سرعت در انتقال و عمل است. او حقایق را پنهان می‌کند، زیرا چنانچه روشن شود شگفتی خود را از دست می‌دهد و قطعاً در آن صورت عملی جاذب و اعجاب انگیز نخواهد بود.

۲. ساحر در انجام عمل خویش مدعی مبانی اعتقادی و ایدئولوژی نبوده و نمی‌تواند باشد و آنچه را انجام می‌دهد حقیقتاً منحصر به او نیست، بلکه افراد زیادی ممکن است آن را انجام دهند و از آن اطلاع داشته باشند.

۳. هر یک از انواع سحر قابل ابطال و نابودی است و افرادی می‌توانند همزمان عمل ساحر را خنثی کنند و یا آنچه را پشت پرده و دور از دیدگان بیننده انجام می‌شود، برملا سازند.

۴. ساحران و عملیات سحر، همیشه ابزاری در دست ابرقدرت‌ها بوده و یا در راستای تأمین اموراقتصادی و زندگی مادی و دسترسی به شهوات دیگر استخدام شده و مورد بهره برداری قرار گرفته‌اند.(سبحانی، ۱۳۸۱: ۱۷۴-۱۷۱)

۴. آثار سحر و جادو از منظر قرآن

از نظر قرآن، سحر می‌تواند آثاری چون فساد در جامعه(یونس: ۸۱)، جدایی میان همسران(بقره: ۱۰۲) خسران و از دست‌دادن سرمایه‌های وجودی(همان)، ایجاد خوف و ترس در مردم(اعراف: ۱۱۳ و ۱۱۶) شر آفرینی(فلق: ۴)، ضرر و زیان(بقره: ۱۰۲) کفر و بی‌ایمانی(همان)، محرومیت از رستگاری و موفقیت در زندگی دنیوی و اخروی(یونس: ۷۷؛ طه: ۶۹؛ قصص: ۳۶ و۳۷)، محرومیت از نعمت‌های اخروی(بقره: ۱۰۲) و مانند آن به دنبال داشته باشد.

سحر ساحران می‌تواند بر قوه بینایی(اعراف: ۱۱۶) و قوای ادراکی و خیال انسان(طه: ۶۶) و نیز جان مردمان(مدثر: ۲۴) تأثیر گذارد و موجبات ترس و دلهره مردم(اعراف: ۱۱۶) را فراهم آورد. مطابق دیدگاه قرآن آموزش‌های سحر در بسیاری از موارد از طریق شیاطین است، هر چند گاه فرشتگان نیز برای آزمون مردم مأمور می‌شوند تا سحر بیاموزند(بقره: ۱۰۲)، ولی باید توجه داشت که بیشتر شیاطین به سمت سحر و جادو گرایش دارند و با ابزارهای گوناگون می‌کوشند تا مسیر رشد و پیشرفت مردم را سد کنند و ایشان را به گمراهی و فساد بکشانند.

۵. سحر و جادو از دیدگاه قرآن

۵. ۱. دیدگاه مفسرین مخالف

قرآن در آیات زیادی به موارد خارق عادت مانند معجزات پیامبران، کرامات اولیا، استجابت دعا، چشم زخم، اثر حسادت، سحر و... اشاره می‌کند. در مجموع، ذیل چند آیه از آیات الهی مباحث مختلف خارق عادت‌ها مطرح می‌شود که برخی از مفسران و دانشمندان، واقعیت داشتن خارق عادت و تأثیر آن را استفاده کرده‌اند و برخی دیگر،

واقعیت نداشتن و مؤثّر نبودن را. عده‌ای از مفسران سحر را صرف خرافات و توهم و خیال بیش نمی‌دانند و برای ادعای خودشان دلایلی نیز ذکر کرده‌اند بعضی از آن‌ها عبارت‌اند:

ابن شهرآشوب در ردیف کسانی است که به حقیقت نداشتن سحر عقیده دارد. ایشان در کتاب متشابه القرآن و مختلفه، می‌نویسد: لیس للسحر حقیقه و انّما هو تمویه و مخرفه و محال أن یعقد عقدا فیحدث لاجلها امراض فی غیره.(ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹ق، ج۲: ۲۱)

سحر دارای حقیقتی نیست بلکه امر خارق العاده و موجب اشتباه مردم در تشخیص است و محال است عقدی بسته شود و به سبب آن بیماری‌های در دیگران ایجاد شود.

۲. بیضاوی که صاحب تفسیر انوار التنزیل و اسرار التأویل است در تفسیر، عقیده خود نسبت به حقیقت نداشتن سحر را ابراز می‌کند.

وی در تفسیر خود آورده است: «لعلمهم بأن مثله لا یتأتی بالسحر، وفیه دلیل علیان منتهی السحر تمویهٔ و تزویق یخیل شیئا لا حقیقهٔ له».(بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج۴: ۱۳۸)

ساحران که از تمام ریزه‌کاری‌ها و فن سحر با خبر بودند، یقین پیدا کردند که این مسئله قطعاً سحرنیست، این یک معجزه بزرگ الهی است و این دلیلی است بر اینکه سحریک چیز خدعه و فریب است که حقیقتی ندارد.

۳. زحیلی وهبه بن مصطفی هم در ردیف کسانی قرار می‌گیرد که به حقیقت داشتن سحر عقیده ندارند. ایشان در کتاب التفسیر المنیر فی العقیدهٔ والشریعهٔ و المنهج، در معنای سحر چنین آورده است:

سحر در حقیقت خدعه و تخیلی است، به صورتی که ساحر سحر را در اشیاء و معانی به کار می‌گیرد و مسحور را به خیال می‌اندازد، به آنچه که خلاف آن است. مثل کسی که سراب را از دور می‌بیند و خیال می‌کند که آب است و مانند کسی که در کشتی سوار شده که با سرعت حرکت می‌کند با دیدن درخت‌ها و کوه‌ها خیال می‌کند که آن‌ها هم همراه آن در حرکت هستند.(زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج۱: ۲۴۶)

۴. صاحب قاموس قرآن نیز درباره آیه مورد بحث می‌گوید: «آیه صریح است در اینکه در چشم‌ها تصرف کرده‌اند نه اینکه واقعاً ریسمان‌ها را بحرکت آورده باشند». ایشان برای تائید ادّعای خودش می‌گوید: «ایضاً آیهٔ ﴿فَیَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما یفَرِّقُونَ بِهِ بَینَ الْمَرْءِ وَ

زَوْجِهِ...﴾ نشان می‌دهد که در اذهان تصرف کرده زوج را به زوجه دشمن می‌کردند، نه اینکه در زوجه تصرف کرده باشند».(قرشی، ۱۳۷۱، ج۳: ۲۳۸)

۵. آیت الله معرفت در کتاب شبهات وردود حول القرآن الکریم درباره حقیقت سحر وجادو می‌فرماید: «لیس فی القرآن ما یشی بذلک سوی بیان وهن مقدرتهم و فضح اساليبهم بانّها شعوذة و تخییلات مجردة لا واقعیة لها».

ایشان بعد از اینکه از علمای شیعه و اهل سنت اقوال و دلایل را مورد بررسی قرار می‌دهد می‌گوید:

«فلم یثبت من هذه الآیة اعتراف للقرآن بحقیقة السحر سوی الشعوذه و التوسّل بالحیل».(معرفت، ۱۳۸۸: ۲۰۲)

پس از این آیه اعتراف قرآن به حقیقت سحر نمی‌شود الاّ شعبده و متوسل شدن با حیله‌ها.

و در جایی دیگر اعتراض می‌کند که شگفت از برخی نویسندگان معاصر است که به پذیرش حقیقت داشتن سحر و تأثیر آن در تغییر واقعیّت اشیاء گرایش پیدا کرده و در این زمینه در پی سخنان قدیمی برگرفته از حکایات و داستان‌های خرافی رفته است.

۶. آیت الله خویی نیز در کتاب مصباح الفقاهة، به آیه مورد بحث استناد کرده است و آن را به عنوان دلیلی بر عدم واقعیت داشتن سحر ذکر می‌کند و می‌فرماید: «لیست للسحر حقیقة واقعیة».(خویی، ۱۳۸۱، ج۱: ۲۸۶) سحر و جادو هیچ حقیقت و واقعیتی ندارد.

پس در نتیجه با توجه به نظرات بعضی از علمای اهل سنت وهمچنین شیعه در ذیل این آیه معلوم می‌شود که سحر امر حقیقی و واقعی نیست که بتواند تأثیری در اشیاء داشته باشد، بلکه سحر به گفته خود قرآن صرف تخیل است، ولی این ساحران بودند که از طریق فریب و حیله و چشم‌بندی آن را حقیقی و واقعی نشان می‌داند.

۷. فخر المحققین که از کسانی است که تأثیر سحر را قبول ندارند در کتاب ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، آیه مورد بحث را نیز به عنوان دلیل بر عدم واقعیت داشتن سحر ذکر می‌کند و می‌گوید:

کسانی که می‌گویند سحر حقیقت و واقعیت ندارد به آیه فوق استدلال می‌کنند با این بیان که اگر برای سحر تأثیری وجود داشت مسلّماً ضرر به

واسطه آن ثابت می‌شد. چون ضرر ثابت نشده، پس نتیجه می‌گیریم که سحر دارای اثر واقعی نیست تا بتواند در اشیاء تأثیر بگذارد.

در ادامه اشکالی را که بر این استدلال شده است فخر المحقیقین ذکر می‌کند و می‌فرماید:

و هنا وجوه من الاعتراض:

۱. نفی ضرر از یک شئ مستلزم نفی دیگر آثار از آن شئ نیست؛ یعنی لازمه نفی اضرار از یک شئ عدم تأثیر یا نفی تمامی‌آثار آن نیست، پس اگر در آیه صحبت از نفی اضرار از جانب ساحران نسبت به دیگران است. نمی‌توان از آن نفی تمامی‌آثار سحر را استفاده کرد.

۲. انجام کاری توسط آلت و ابزار آن از سه جهت مشروط است؛ به این صورت که به لحاظ فاعل متوقف است بر اینکه کننده‌کار، قدرت، انگیزه و اراده داشته باشد، به لحاظ فعل یا آن کار مورد نظر، در دایره امکان باشد و به لحاظ ابزار آن کار نیز مشروط به این است که آن ابزار به گونه‌ای باشد که صلاحیت تأثیرگذاری را داشته باشد؛ پس صرف عدم انجام آن کار توسط آلت مستلزم این نیست که صلاحیت تأثیر را از آن آلت نفی کنیم، چرا که نفی اصل تأثیر مستلزم نفی یک جزء معین نیست، چرا که ممکن است دیگر شروط آنجا محقق نشده باشد.

۳. در آیه مورد نظر، نفی اضرار از سوی ساحران در یک صورت مورد استثناء واقع شده و آن در صورتی است که اذن خداوند به تأثیرگذاری و اضرار تعلق بگیرد در این صورت اضرار واقع خواهد شد. طبق قاعده، استثناء از نفی، برابر با اثبات است، لذا تقدیر و مفهوم آیه چنین خواهد شد که اگر خداوند به امر اضرار اذن بدهد، چنین امری یعنی اضرار صورت خواهد گرفت و این خود تأثیر داشتن سحر را اثبات می‌نماید.

به این اعتراض هم جواب داده‌اند:

جواب اعتراض قسمت (الف) بر فرضی که قبول کنیم عمل ساحران دارای تأثیر است، این تأثیر از سه حالت خارج نیست؛ یا منحصر در نفع است یا در ضرر منحصر است یا اینکه مشترک بین ضرر و نفع است، اما اینکه بگوییم تأثیر سحر فقط در نفع منحصر است، چنین چیزی محال است چرا که در این صورت حتماً سحر جزو اعمالی شمرده می‌شد که نیکو و پسندیده شده‌اند، درحالی‌که این طور نیست.

اما در دو صورت دیگر نیز باید گفت شخص مکلفی که دست به انجام عمل سحر می‌زند به لحاظ توانایی بر اضرار از دو حال خارج نیست، یا قدرت بر این کار دارد یا ندارد، اما از این جهت که انجام عمل سحر، جزو اعمال قبیحه شمرده شده، صورت دوم یعنی اینکه بگوییم قدرت بر اضرار ندارد، باطل است، چرا که اگر قدرت نداشته باشد دیگر قبیح نیست، پس حتماً قدرت بر اضرار دارد حال دراین‌باره نیز دو صورت متصور است؛ اول اینکه بگوییم این قدرت با اذن خداوند دارای تأثیر خواهد بود و یا اینکه تأثیرگذاری متوقف بر اذن خداوند نیست. صورت اخیر یعنی اعتقاد به اینکه تأثیرگذاری مشروط به اذن خداوند نباشد، باطل است چرا که در آیهٔ شریفه به صراحت به این امر اشاره شده، پس اضرار توسط سحر فقط با اذن خدا صورت می‌پذیرد، اما مشکل اینجا است که اذن خدا به تأثیرگذاری سحر که عمل قبیح است، تعلق نخواهد گرفت و این طبق اعتقاد ماست که اذن و اراده خداوند به فعل قبیح تعلق نمی‌گیرد، اما طبق اعتقاد اشاعره که نفی حسن و قبح عقلی رأی می‌دهند چنین چیزی قابل طرح است.

برای تأیید این قول ما نیز می‌گوییم که اگر اذن خداوند به انجام و تأثیر گذاری قبایح تعلق بگیرد لازمه آن اجتماع نقیضین خواهد بود بر این دلیل که اگر اذن به چیزی داد، آن عمل جزو اعمال حسن و پسندیده خواهد بود و یا نهی از آن عمل، ناپسند شمرده می‌شود در مورد سحر که خداوند از آن نهی کرده؛ در صورتی که اذن به تأثیر گذاری آن بدهد نهی سابق با اذن لاحق به عنوان دو امر متناقص جمع صورت گرفته واین اجتماع نقیضین بوده و محال است. از اینجا جواب از اعتراض دوم و سوم نیز آشکار می‌گردد.(حلّی، ۱۳۸۷ هـ ج۱: ۴۰۶و۴۰۷)

۵. ۲. دیدگاه مفسرین موافق

در مقابل کسانی که معتقدند سحر واقعیت ندارد، عدهٔ دیگری از علمای اسلامی‌در فرقه‌های مختلف معتقد به واقعیت داشتن سحر می‌باشند. در ادامه به دیدگاه برخی از این علما می‌پردازیم.

۱. مرحوم کاشانی در تفسیر مفاتیح الشرائع درباره سحر چنین می‌گوید:

و السحر کلام أو کتابهٔ أو رقیهٔ أو أقسام و عزائم و نحوها، یحدث بسببها ضرر علی الغیر، و منه عقد الرجل عن زوجته بحیث لا یقدر علی وطیها،

و إلقاء البغضاء بينهما كما قال اللّه تعالى فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُم أم يفَرِّقُونَ بِهِ بَينَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِه.(کاشانی، ۱۳۹۶، ج۲: ۲۴)

سحر، گفتار، نوشتار، رقیه، عزائم و مانند این‌ها است که بسبب این بر دیگری ضرر واقع می‌شود. مانند بستن مرد تا قادر بر وطی با همسر نباشد و بین آن دو بغض و نفرت انداختن.

پس از آیه فوق می‌شود نتیجه گرفت که سحر اثر حقیقی و وجود خارجی دارد که:

اولاً می‌توان به واسطه آن بین زن و شوهر تفرقه انداخت و الّا اگر سحر چنین خاصیتی نداشت این اثر(جدایی و تفرقه) به وجود نمی‌آمد.

ثانیاً مذمت شدن کسانی که سحر را برای مورد مذکور یاد می‌گرفتند، چون اگر سحر تأثیر نداشت مذمت لغو بود.

۲. قرطبی صاحب تفسیر در جواب الجامع لأحکام القرآن، هم‌در ردیف کسانی قرار می‌گیرد که قائل به دو نوع سحر می‌باشند. ایشان در این تفسیر در جواب کسانی که معتقدند سحر حقیقت ندارد و صرف تخیل است و آیات دال بر عدم واقعیت داشتن سحر را نیز دلیل می‌آورند پاسخ می‌دهد:

> از عبارت ایشان چنین برداشت می‌شود که وی هم تخیل بودن سحر را قبول می‌کند و هم واقعیت داشتن آن را، زیرا ایشان صراحتاً بیان می‌کنند که ما انکار نمی‌کنیم که تخیل هم از اقسام سحر باشد، ولی علاوه بر این‌ها اموری وجود دارد که مورد قبول عقل واقع شده است و همچنین در آیه سخن از سحر و تعلیم به میان آمده، اگر سحر حقیقت نداشت تعلیم آن امکان نداشت و خداوند خبر نمی‌داد که آن‌ها به مردم سحر را تعلیم می‌دادند و همچنین سوره فلق که مفسرین اتفاق نظر دارند بر اینکه سبب نزول این سوره مسحور شدن پیامبر اکرم ﷺ توسط مرد یهودی بوده است و پیامبر در این حدیث می‌گوید که خداوند به من شفا داد. شفا هم فقط در صورتی صحیح است که علت و زوال مرض رفع شده باشد، پس این دلالت می‌کند که سحر دارای حقیقت و واقعیتی است.(قرطبی، ۱۳۶۸، ج۲: ۴۶)

۳. محمد امین شنقیطی صاحب تفسیر أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن نیز در رابطه با جمع آیات مخالف و موافق می‌گوید:

تحقیقی که جمهور علمای مسلمین بر آن‌اند این است که بعضی از سحرها امر واقعی و حقیقی‌اند نه مطلق تخیل که واقعیت نداشته باشد. آنچه دلالت بر واقعیت بعضی از اقسام سحر می‌کند قول خدا است... این آیه دلالت می‌کند که سحر شئ موجودی است که دارای حقیقتی است و سبب جدایی انداختن بین زن و شوهر می‌شود وخداوند نیز از سحر به وسیله «ما»ی موصوله تعبیر کرده که این نیز دلالت می‌کند بر اینکه سحر دارای وجود حقیقی است. همچنین از آن چیزهایی که دلالت بر حقیقت داشتن سحر می‌کند قول خدا است... طبق این آیه زنان ساحر در سحر خودشان گره می‌زدند و بر آن گره‌ها می‌دمیدند و اگر سحر واقعیت نداشت خداوند پناه بردن از آن را امر نمی‌کرد.(شنقیطی، ۱۴۲۷ق، ج۴: ۱۰۸)

همین طور که ملاحظه کردید بین این آیات هیچ تناقضی وجود ندارد و هر یک از آن‌ها قسمی از سحر را اشاره دارد، به این معنا که آیاتی که دلالت بر عدم واقعیت داشتن سحر می‌کنند در واقع اشاره به ساحران دوران فرعون دارد که آن‌ها از طریق خدعه و حیله در چشم های مردم تصرف کرده و آن‌ها را گول می‌زدند. به عبارت دیگر، چیزی را که واقعیت نداشت در نظر آن‌ها به صورت واقعی جلوه می‌دادند و آیاتی که بیانگر واقعیت داشتن سحرند در واقع اشاره به قسم حقیقی و واقعی آن را دارد. به این معنا که طبق این آیات آثاری همانند تفرقه انداختن بین زن و شوهر برای سحر ذکر شده که این دلالت می‌کند بر اینکه سحر یک امر حقیقی و واقعی است که چنین آثاری از خود بجا می‌گذارد.

کسانی که اعتقاد به واقعیت داشتن سحر دارند برای اثبات ادعای خودش به آیاتی از قرآن و روایات و اجماع و همچنین بعضی از موارد تجربی را استدلال کردند؛ ما اینجا بعضی از دلایل آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

قرآن کریم در بعضی از آیات به حقیقت و واقعیت داشتن سحر اشاره دارد:

ـ ﴿وَاتَّبَعُواْ مَا تَتْلُواْ الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُواْ يعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ... فَيتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يفَرِّقُونَ بِهِ بَينَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللّهِ وَ يتَعَلَّمُونَ مَا يضُرُّهُمْ وَلاَ ينفَعُهُمْ...﴾.(بقره: ۱۰۲)

(یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می‌خواندند پیروی می‌کردند، سلیمان هرگز(دست به سحر نیالود و) کافر نشد، لیکن شیاطین کفر ورزیدند و به مردم

تعلیم سحر دادند(و نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل(هاروت و ماروت) نازل شد پیروی کردند. آن‌ها طریق سحرکردن را برای آشنایی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند و به هیچ کس چیزی یاد نمی‌دادند مگر اینکه قبلاً به می‌گفتند ما وسیله آزمایش شما هستیم، کافر نشوید(و از این تعلیمات سوء استفاده نکنید) ولی آن‌ها از آن دو فرشته مطالبی را می‌آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند(نه اینکه از آن برای ابطال سحر استفاده کنند)، ولی هیچ گاه بدون فرمان خدا نمی‌توانند به انسانی ضرر برسانند، آن‌ها قسمت هایی را فرا می‌گرفتند که برای آنان زیان داشت و نفعی نداشت.

ذیل همین آیه شریفه آقای قرائتی در تفسیر نور می‌فرماید:

> قرآن در اینجا نکته‌ای را یادآور می‌شود که جای دقت و تأمل است. می‌فرماید: ساحر با داشتن علمِ سحر، از دایره قدرت الهی خارج نیست و بدون اراده خدا قادر به انجام کاری نیست و به کسی نمی‌تواند ضرری برساند، ولی از آنجایی که خداوند برای هر چیز اثری قرار داده است، سحر و جادو نیز می‌تواند اثرات سویی داشته باشد که از آن جمله تأثیر آن بر روابط زناشویی و خانوادگی است.(قرائتی، ۱۳۸۸، ج۱: ۳۲۴)

پس با توجه به این، به نظر آقای قرائتی سحر دارای اثر می‌باشد. شهید ثانی هم به این آیه استدلال کرده وآن را دلیل بر واقعیت داشتن سحر دانسته است. ایشان در کتاب مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام در مورد مذکور می‌گوید:

> أسند التفریق إلیه، و ذمّهم علی تعلّم ما یفرّقون به بین المرء و زوجه، فلو لم یکن له تأثیر لم یتوجه علیهم الذّم.لأن تاثیره أمر وجدانی شائع بین الخلق(کثیرا) قدیما وحدیثاً.(شهید ثانی، ۱۴۱۹ق، ج۱۵: ۷۶)

در این آیه تفرقه به سحر نسبت داده شده است و تعلم چیزی که به وسیله آن زن و مرد از یکدیگر جدا می‌شوند مذمت شده است پس اگر سحر تأثیری نداشت، مذمت بی دلیل بود، ضمن اینکه تأثیر سحر در گذشته و حال امر رایج بین مردم است.

ـ ﴿قل اعوذ بربّ الفلق* من شرّ ما خلق* و من شرّ غاسق اذا وقب و من شر النفاثات فی العقد﴾.(فلق: ۴-۱)

بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده صبح، از شر تمام آنچه آفریده است و از شر موجود مزاحمی‌که وارد می‌شود و از شر آن‌ها که در گره‌ها می‌دمند و هر تصمیمی را سست می‌کنند.

عبدالله بن قدامه صاحب المغنی به آیه فوق استناد کرده و آن را دلیل بر واقعیت داشتن سحر دانسته است. ایشان در این کتاب می‌نویسد: «ولولا انّ السحر له حقیقه، لما امر الله تعالی بالاستعاذه منه».(ابن قدامه، بی‌تا، ج۲۰: ۵) اگر سحر حقیقت نداشت خداوند پناه بردن از آن را امر نمی‌کرد.

از این آیه نیز واقعیت داشتن سحر فهمیده می‌شود، چون چیزی که تأثیر حقیقی نداشته باشد پناه بردن از آن بی معنا است. اینکه خداوند متعال پناه بردن از آن را امر کرده در واقع تأثیرداشتن سحر و حقیقی بودن آن را ابزار کرده است. غیر از این افراد دیگری هم وجود دارند که به آیه مورد بحث احتجاج کرده‌اند.

۲. روایات

همان گونه که گفتیم گروه موافق برای ادعای خود به یک سری آیات و روایات تمسک می‌کند که از این آیات و روایات، حقیقت و واقعیت داشتن سحر به دست می‌آید؛ اکنون برخی از این روایات را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲. ۱. مسحور شدن نبی اکرم ﷺ به واسطه لبید بن اعصم یهودی

صاحب مجمع البیان این حدیث را ذیل همین سوره نقل می‌کند.(طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰: ۳۷۸)

شهید ثانی که خود از موافقین است در کتاب مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام وقتی ادله طرفین(مخالف و موافق) را ذکر می‌کند حدیث فوق را نیز از طرف گروه موافق به عنوان دلیل بر واقعیت داشتن سحر ذکر می‌کند.

ایشان در این کتاب در این رابطه می‌گوید:

> و فی الأخبار ما یدلّ علی وقوعه فی زمن النبی ﷺ، حتی قیل: إنّه ﷺ سحر حتی کان یخیل إلیه أنه فعل الشیء و لم یفعله. و فیه نزلت المعوّذتان.(شهید ثانی، همان، ج۱۵: ۷۶)

از عبارت شهید ثانی چنین برداشت می‌شود که حدیث مورد قبول ایشان واقع شده است، زیرا وی صراحتاً می‌گویند که اخبار دلالت بر وقوع عمل سحر در زمان پیامبر اکرم ﷺ می‌کند. حتا گفته شده که نبی اکرم ﷺ خیال می‌کرد که کاری را انجام داده، درحالی‌که انجام نداده است و به همین خاطر دو سوره ناس و فلق نازل شده است. از طرف دیگر نیز ایشان عقیده به واقعیت داشتن سحر دارند، چه اینکه اگر حدیث مورد قبول ایشان واقع نمی‌شد، حتماً اعتراض خود را بیان می‌کردند.

خلاصه اینکه اگر در حدیث فوق دقت کنیم می‌بینیم که ظاهر حدیث بیانگر واقعیت داشتن سحر می‌باشد، چرا که در این حدیث پیامبر ﷺ در اثر سحر مریض می‌شود و احساس درد می‌کند و از خدا درخواست کمک می‌کند و خداوند دو سوره را بر او نازل می‌کند و بعد پیامبر ﷺ شفا پیدا می‌کند، البته افراد دیگری نیز وجود دارد که به حدیث فوق به عنوان دلیل بر واقعیت داشتن سحر استدلال کرده‌اند.(آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج۵: ۲۶)

۲. ۲. روایت دیگری مبنی بر مسحور شدن پیامبر اکرم ﷺ

انّه صلی الله علیه و سلّم سحر فکان یخیل الیه انّه یاتی النساء ولایاتیهنّ. (ابن ادریس، ۱۴۱۸ق، ج۴: ۱۹۳)

درباره پیامبر ﷺ عمل سحر انجام دادند و در اثر آن سحر بود که خیال می‌کرد نزد همسرانش رفته‌اند، در صورتی که چنین نبود.

احمد بن ادریس شهاب الدین قرافی صاحب انوار البروق فی انواع الفروق به حدیث فوق استدلال کرده وآن را دلیلی بر واقعیت داشتن سحر دانسته است. البته علامه مجلسی رحمه‌الله نیز در بحار الانوار، روایت مذکور را به عنوان دلیل بر واقعیت داشتن سحر ذکر کرده است.(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۶۰: ۳۸) اجماع و موارد تجربی نیز از دلایل گروه موافق است که برای اثبات ادعای خود به آن تمسک نمودند.

۳. جمع بین دو اقول (مخالفان و موافقان)

در بررسی این نظرات(گروه مخالف و موافق) می‌توان گفت:به نظر می‌رسد برای جمع بین دو دلیل باید گفت سحر دو قسم است؛ یک قسم اغفال، حیله و فریب و با استفاده از خواص مواد به عنوان اغفال مردم ساده لوح انجام می‌شده است و قسم دوم واقعی است. آیات نیز به هر دو مورد اشاره کرده است. آیاتی که می‌گویند سحر واقعیت ندارد

در واقع قسم اول سحر را در نظر می‌گیرند و آیاتی که واقعیت سحر راتصریح می‌کند قسم دوم را در نظر می‌گیرد.

پس می‌توان گفت آنجا که پای ایجاد موجودی یا عوض کردن صورت او در میان باشد ساحر عاجز است، اما آنجا که پای ایجاد تصوری در ذهن مسحور که موجب تصوراتی در او شود مانند آنچه موجب جدایی یا ایجاد علاقه بین دو نفر می‌شود و مانند آنچه باعث به هم ریختن ذهن مسحور می‌شود و مواردی از این قبیل در کار باشد، دست ساحرباز است، البته به اذن خدا و توانایی چنین کارهایی را دارد.

بنابراین در ماجرای حضرت موسی علیه‌السلام چون سخن از ایجاد موجوداتی مثل مار واقعی است، ساحران دست به حیله و خدعه زدند، و با شگردهای خاصی چشم‌بندی کرده بودند، به گونه‌ای که مردم خیال می‌کردند که آن نخ‌ها و ریسمان‌ها به صورت مار واقعی درآمده است، ولی در واقع امر، چیزی ایجاد نشده بود، اما در قصه هاروت و ماروت چون صرف ضرر زدن به غیر است دست آن‌ها باز بود. ضمناً باید به این نکته اشاره کرد که ایجاد توهم و تأثیر در ذهن مسحور هر چند به معنای این نیست که آنچه وی تصور می‌کند در عالم خارج واقع شده است، ولی در حقیقت خود تصور و تشویشی که در ذهن مسحور ایجاد شده یک واقعیت است و آثار خود را دارد و نمی‌توان گفت چون ساحر فقط در ذهن مسحور تأثیر گذاشته عمل او هیچ واقعیتی ندارد.(محقق ثانی کرکی، ۱۴۱۱ق، ج۴: ۳۰)

این دو دسته از اعمال ساحران در آنچه از تعریف سحر گذشت نیز مشهود است. در تعریف سحر برخی آن را به گول زدن و تصرف در نگاه مسحور از طریق تردستی معنا کرده بودند که اشاره به سحرهایی دارد که واقعیت نداشته و به نوعی گول زدن افراد است. در برخی از تعاریف هم به کمک جن و مانند آن اشاره شده بود که نشان از انجام برخی کارهای واقعی هرچند جزئی توسط ساحران دارد. به این ترتیب باید گفت سخن هر دو گروهِ موافق و مخالف صحیح است و هر یک به بخشی از واقعیت موضوع اشاره دارند.

در جمع این آیات می‌توان حدیث امام صادق علیه‌السلام (در دلایل ذکر شده) در پاسخ به زندیق مصری را ذکر کرد؛ در این روایت سؤال از تغییر ماهیت انسان به صورت سگ و... از طرف ساحر مطرح شده، ولی امام جواب داده که ساحر اعجز و اضعف از آن است

که خلق خدا را تغییر دهد. به عبارت دیگر آنجا که پای ایجاد موجودی یا عوض کردن صورت او در میان باشد ساحر عاجز است.

اگر دقت کنیم می‌بینیم که امام علیه‌السلام در این روایت تغییر ماهیت شئ و ایجاد آن را از ساحر نفی می‌کند، ولی در ادامه این حدیث نوعی از سحر که آثاری از جمله جلب عداوت بین محبان و ایجاد تفرقه بین دوستان و خرابی خانه‌ها و ریخته‌شدن خون‌ها را که از ضررهای آن است مورد قبول امام علیه‌السلام واقع شده است، البته در این میان علمایی نیز هستند که بین این آیات تضادی نمی‌بینند و قائل به دو نوع سحرند.

۴. سحر از دیدگاه روایات

درباره چیستی، منشأ و چگونگی سحر در کتاب احتجاج طبرسی، حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که بسیار مفید است. حضرت می‌فرمایند: «إنَّ السِّحرَ عَلی وُجُوهٍ شَتّی: وَجهٌ مِنها بِمَنزلَةِ الطِّبّ».

روایت شده که زندیقی(کافر) از امام صادق علیه‌السلام پرسید: منشأ جادو چیست و چگونه جادوگر می‌تواند آن کارهای شگفت‌آور را انجام دهد؟ حضرت فرمود: جادو گونه‌های مختلفی دارد؛ یک نوع آن به منزله پزشکی است، یعنی همان گونه که پزشکان برای هر مریضی راه علاجی می‌یابند جادوگران نیز برای هر صحتی، راهی برای از بین بردن آن می‌یابند و برای هر عافیتی راهی برای رفع آن می‌جویند، نوع دوم شعبده و سرعت دست و اعمال فوق عادت است.

نوع سوم آنکه شیاطین را به خدمت می‌گیرند. زندیق گفت: شیاطین جادو را از کجا آموخته‌اند؟ فرمودند: از همان‌جا که پزشکان پزشکی را می‌آموزند؛ بعضی را به تجربه و بعضی را به علاج. زندیق پرسید: آیا ساحر می‌تواند با سحر خود، انسان را به صورت سگی یا الاغی یا مثل این‌ها درآورد؟

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: ساحر عاجزتر از آن است که بتواند خلق خدا را تغییر دهد و... اگر می‌توانست مسلّماً از خودش پیری و فقر و مریضی را دور می‌کرد... پس بهترین سخن‌ها درباره سحر آن است که بگوییم سحر همانند پزشکی است.(طبرسی، ۱۳۷۱، ج۹: ۱۴۵)

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَن تَعلَّم شَیئاً مِنَ السِّحر قَلیلاً أو کَثیراً فَقَد کَفَر، وَکانَ آخِرَ عَهدِهِ بِرَبِّهِ، وَ حَدُّهُ أن یقتَلَ إلاَّ أن یتوب».

هر که چیزی از جادو بیاموزد، کم یا زیاد، کافر است و پایان عهد او با پروردگارش باشد و کیفرش آن است که کشته شود مگر توبه کند.

و فرموده است: «اَلعَینُ حَقٌّ، وَالرُّقی حَقٌّ، وَالسِّحرُ حَقٌّ، وَالفَأَلُ حَقٌّ، وَالطِّیرَةُ لَیستْ بِحَقّ». چشم زخم و طلسم و جادو و فال نیک زدن واقعیت دارد، اما فال بد زدن واقعیت ندارد.

و از فرمایشات ایشان است که هر کسی سحر بیاموزد، کم یا زیاد، کافر شده است و رابطه او به کلّی با خدا قطع می‌شود.(حر عاملی، ۱۳۸۹، ج۱۷: ۱۴۷)

در روایت وارد شده است که زنی خدمت حضرت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد یا رسول الله همسری دارم که از من بدش می‌آید و من کاری کرده‌ام(سحر و جادو) که او را نسبت به خود مهربان سازم، حضرت پیامبر ﷺ فرمودند: وای بر تو دینت را تیره نمودی و سه بار فرمود: ملائکه بزرگوار بر تو لعنت می‌کنند، ملائکه آسمان بر تو لعنت می‌فرستند، ملائکه زمین بر تو لعنت می‌فرستند.(محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ج۴: ۴۱۰)

در حدیثی دیگر آمده که عمروبن عبید وارد بر امام صادق علیه‌السلام شد و گفت دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم. امام فرمود: «والسحر»؛ از جمله گناهان کبیره سحر است چون خداوند می‌فرماید: ﴿وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمِنَ اشْتَراهُ ما لَهُ فی الآخرةِ مِن خَلاق﴾؛ مسلماً آنان می‌دانستند هر که خریدار این متاع باشد در آخرت هیچ نصیبی برای او نخواهد بود.(جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج۵: ۷۲۸)

در حدیثی از پیامبر ﷺ آمده است که فرموده‌اند: «ثلاثه لا یدخلون الجنه: مُدمِنُ خمرِ و مُدمِن سحر و قاطع رحم»؛ سه گروه‌اند که داخل بهشت نمی‌شوند؛ کسی که دائم مست است، کسی که سحر استفاده کند و کسی که قطع رحم کرده است.(صدوق، ۱۳۷۴، ج۱: ۱۷۷)

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: هر حقی از مسحور ضایع شود بر عهده ساحر است. ایشان به شدت ازسحر و تعلیم آن بر حذر می‌داشتند و برای بطلان سحر دعای ضد سحر را پیشنهاد می‌کردند و فرمودند: باید از شرّ سحر و ساحری به خداوند متعال پناه برد که همه امور درید قدرت اوست.(دستغیب، ۱۳۷۶، ج۲: ۸۵)

از مجموع روایات چنین به دست می‌آید که سحر و جادو یک اتفاق خارق‌العاده است که با تقویت نفس و آموزش برخی علوم غریبه برای افراد حاصل می‌شود و با آن، می‌توانند کارهایی را نیز انجام دهند که این کارها در یک نگاه کلّی به عالم هستی، خارج

از اراده و قدرت الهی نیست، بلکه استفاده از اسباب و عللی است که خداوند در این عالم قرار داده است، مثلاً خداوند اراده انسان را بسیارقوی قرار داده است و از طرفی نیز موانعی برای اراده وجود دارد، به این معنا که اگر توجه انسان به مال دنیا، مقام و منزلت خاصی یا شهرت معطوف نشود و تمام فکر و اراده‌اش روی یک امر متمرکز گردد، آن امر طبق اراده‌اش انجام خواهد شد و اتفاق خواهد افتاد.

نتیجه‌گیری

۱. در رابطه با واقعیت و عدم واقعیت داشتن سحر در بین علمای مسلمین اعم از شیعه و سنی دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه مخالف و دیدگاه موافق.

۲.گروه مخالف برای اثبات ادعای خود به آیاتی از قرآن و نیز روایاتی تمسک کردند که بیانگر عدم واقعیت داشتن سحر می‌باشد، گروه موافق نیز در این مورد به آیاتی از قرآن و روایات و اجماع و موارد تجربی تمسک می‌کنند و واقعیت داشتن سحر را اثبات کرده‌اند.

خلاصه اینکه در مورد سحر سه نوع تأثیر می‌توان تصور کرد؛ اول اینکه سحر به معنای تمویه و تردستی (شعبده) است. دوم اینکه سحر به معنای کار خارق العاده است که در برخی از موارد با کمک شیاطین انجام می‌پذیرد. برای این دسته دو نوع تأثیر قابل تصور است؛ آنکه تنها در ذهن و فکر و جسم افراد تأثیر بگذارد و دوم آنکه تأثیر قوی‌تری داشته و بتواند باعث تبدیل ذات اشیاء و اشخاص بشود.

در مقابل اقسام فوق سه قول وجود دارد:

۱.کسانی که سحر را فقط تمویه می‌دانند و می‌گویند واقعیت ندارد و هیچ تاثیری جز گول‌زدن افراد نباید از آن انتظار داشت.

۲.کسانی که قائل‌اند سحر واقعیت داشته و ساحر می‌تواند ذات اشیاء و اشخاص را تغییر دهد.

۳.کسانی که معتقدند سحر فقط تأثیر ذهنی و جسمی‌دارد، ولی ذات اشخاص و اشیاء را تغییر نمی‌دهد.

قائلین به این قول خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی تأثیر ذهنی را مهم ندانسته و به همین دلیل واقعیت داشتن سحر را نفی می‌کنند. در مقابل برخی معتقدند تأثیر در ذهن خود نوعی از تأثیر داشتن است و حکایت از واقعیت داشتن سحر می‌کند هر چند

که ساحر قادر بر بیش از تأثیر ذهنی نیست به نظر می‌رسد اختلاف این دو دسته ناشی از اختلاف در تعریف واقعیت داشتن است. به نظر می‌رسد همان گونه که گذشت، نظریه صحیح آن است که ساحر قادر به تغییر دادن ذات اشیاء نیست و بیشتر اقسام سحر اشاره به شعبده، نیرنگ و تردستی دارند البته بعضی از اقسام سحر تاثیراتی مانند دارو دارند.

منابع و مآخذ:

- خلیل ابن احمد فراهیدی(۱۴۰۹ق)، **کتاب العین**، ج۳، چ۲، قم.
- رویفعی افریقی، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم(ابن منظور)(۱۴۰۷ق)، **لسان العرب**، ج۲، چ۱، بیروت: دارالصادر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۳۶۹)، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن**، ترجمه خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
- فخر رازی، محمد بن عمر(۱۴۲۰ق)، **تفسیر کبیر**(مفاتیح الغیب)، چ۳، بیروت: داراحیاءالتراث العربی.
- انصاری، شیخ مرتضی()، **المکاسب المحرمه**، قم: انتشارات هاقانی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی(۱۳۶۹ق)، **متشابه القرآن و مختلفه**، قم: بیدار.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر(۱۴۱۸ق)، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- زحیلی، وهبه(۱۴۱۱ق)، **التفسیرالمنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج**، چ۲، دمشق: دارالفکر.

- قرائتی، محسن(۱۳۸۸)، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۷۲)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چ۳، تهران: ناصر خسرو.
- آلوسی، محمود بن عبدالله(۱۴۱۵ق)، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوادی آملی، عبدالله(۱۳۹۰)، **تفسیر تسنیم**، قم: مرکز نشر اسراء، ج۸، چاپ چهارم، ۱۳۹۰
- حلّی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف(۱۳۸۷ق)، **إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حر عاملی، محمد بن حسن(۱۳۸۹)، **وسائل الشیعه**، ج۱۷، تهران: موسسه آل البیت علیهم‌السلام.
- خویی، سید ابوالقاسم(۱۳۸۱)، **مصباح الفقاهة (المکاسب)**، ج۱، قم.
- دستغیب، سید عبدالحسین(۱۳۷۶)، **گناهان کبیره**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سبحانی، جعفر(۱۳۸۱)، **محاضرات فی الالهیات**، چ۱ف قم: جامعه مدرسین.
- شنقیطی، محمدامین(۱۴۲۷ق)، **أضواء البیان فی إیضاح القرآن بالقرآن**، چ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه(۱۳۷۴)، **الخصال صدوق**، ج۱، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، ابومنصور شیخ احمد بن علی(۱۳۷۱)، **الاحتجاج**، ج۹، تهران: انتشارات مرتضوی.

- مجلسی، محمد باقر(۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبارالائمة الاطهار** علیهم‌السلام، بیروت: موسسة الوفاء.
- معرفت، محمدهادی(۱۳۸۸)، **شبهات وردود حول القران الکریم**، ترجمه حسن حکیم باشی و همکاران، چ۲، قم: التمهید.
- محمدی ری شهری، محمد(۱۳۶۳)، **میزان الحکمه**، ج۴، چ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.